

جایگاه عناصر سنتی شهر شرق اسلامی در ریخت‌شناسی شهر قدیم لار

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۰۳/۲۸

محمدحسن ضیاء توانا*

چکیده

شهر این دستاورد زنده و پویا بشر، همچون دیگر سکونتگاه‌های انسانی، پیوسته به منزله یکی از شاخص‌های قلمرو فرهنگی-تمدنی و شهرنشینی و نیز گستردگی پژوهش‌های انجام شده تاکنون، از برجستگی ویژه برخوردار می‌باشد. از این رو در این مقاله، به ارائه مدل‌هایی درباره شکل و قالب‌بندی آن پرداخته شده است. اما علی‌رغم چنین مدل‌های کلیشه‌ای، نمی‌توان به راحتی از یک سنخ واحد سخن به میان آورد. زیرا در عین وحدت این کثرت به گونه‌ای است که حتی در درون یک واحد سیاسی (کشور) به تبایناتی برمی‌خوریم. از این رو، هدف از پژوهش نه تنها تحلیلی از ساختار فضایی و ریخت‌شناسی شهر قدیم لار به منزله یک شهر متوسط با پیشینه کهن و فراز و فرود بسیار می‌باشد، بلکه با میزان آن با مدل‌های ارائه شده در این رابطه نیز ارتباط دارد. برای دستیابی به این هدف از روش‌های تحقیق جغرافیایی و مطالعات تطبیقی به گونه اسنادی، چون چندین بار سفر در راستای مکان‌گزینی، پرسشگری‌ها و مشاهده‌ها بهره گرفته شده است. از سوی بنیان‌های نظری (فرضیه‌ها) استفاده شده است. نتیجه بررسی‌ها گواهی می‌دهد که بافت کالبدی این در مواردی چه به لحاظ موقعیت طبیعی و چه به لحاظ ساختار و کارکردها با مدل‌های یاد شده هم‌پوشی دارد. اما از سوی دیگر انحراف‌هایی، به‌ویژه با تأکید بر کارکرد و ساختارها و حوزه نفوذ و حوزه جذب را نشان‌گر است. این کارکردها عبارتند از: ۱. کارکرد حکومتی؛ ۲. کارکرد اقتصادی؛ ۳. کارکرد فرهنگی-مذهبی؛ ۴. کارکرد مسکونی و سرانجام کارکرد "مکان مرکزی".

واژگان کلیدی: شرق اسلامی، عناصر شهری، ریخت‌شناسی، لار، فارس.

مقدمه

پیشینه سکونت در لارستان دست کم به سه هزار سال می‌رسد (Hosseynehfahasi, 1988). قلمرو جغرافیایی گسترده‌اش به لحاظ اداری سیاسی و حکومتی تا پایان صفویه بلکه قاجار از مرزهای بوشهر تا سرحدات بلوچستان و مکران و پاره‌های جزایر خلیج فارس را دربرمی‌گرفت (Calmar, 1986). حوزه نفوذ اقتصادی- فرهنگی آن که بر پایه قدرت سیاسی و تجاری شهر قدیم لار بود، از بصره و شرق آفریقا تا سواحل هندوستان و جزیره سیلان گسترش داشت (Taverniyeh, 1984, p. 153). با تشکیل نخستین حکومت مقتدر و فراگیر در ایران پس از اسلام به زمان صفویه سبب از بین رفتن حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل چون سلسله پادشاهی گرگینی لارستان شد و چنین رخدادی زمینه‌ساز محدودیت قلمرو سیاسی و قدرت اقتصادی شهر لار، لارستان و فروپاشی فضای حیاتی آن شد.

موقعیت: شهر لار مرکز شهرستان لارستان از استان فارس با دوری از دریا و قرارگیری میان رشته کوه‌های نسبتاً بلند، دارای اقلیم گرم‌وخشک است. این شهر در مقایسه با سواحل خلیج فارس از دیر باز مناسب‌تر و زمینه‌ساز گسترش شبکه وسیعی از راه‌های کاروان‌رو به سوی بنادر مهم این دریا از گذشته تاکنون بوده است (Calmar, 1986). از این‌رو، شهر لار هرچند از کارکردهای اساسی شهرهای سنتی "شرق اسلامی" برخوردار می‌باشد، اما کارکرد اقتصادی آن نقش‌آفرینی برجسته‌ای داشته است.

۱. بیان مسأله

پژوهش درباره شهرهای سنتی "شرق اسلامی" از جمله موضوعات مورد توجه جغرافی‌دانان از نیمه سده بیست می‌باشد. این گرایش از یک‌سو به خاطر پیشینه زیاد شهرنشینی در این کلان ناحیه فرهنگی- تمدنی و از سوی دیگر بر تباينات اساسی در زمینه‌های ساختار اجتماعی- اقتصادی مناسبات شهر با پس کرانه خود و سرانجام پیوند و ترکیب فضایی اجزاء و عناصر سنتی در بافت کالبدی آن شده است (Ehlers, 1990 & Memford, 1990). مورد آخر منجر به ارائه مدل‌هایی درباره شکل و قالب‌بندی این دسته از شهرها شده که می‌توان از مدل (Dettmann, 1969) یاد کرد. از این‌رو پژوهش حاضر، کوشش برای تبیین علل وجودی، نحوه پراکندگی و تکوینی هر یک از عناصر سنتی در سازمان فضایی شهر در چارچوب مطالعات تطبیقی قرار دارد. در این رابطه شهر قدیم لار برای یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر برگزیده شد:

۱. محیط طبیعی تا چه حد در شکل‌گیری نخستین بافت شهر اثر داشته است؟ ۲. عناصر عمده ارائه شده در مدل‌های شهر "شرق اسلامی" تا چه اندازه با شهر لار هم‌خوانی داشته است؟ ۳. نحوه پراکندگی و پیوند فضایی در میان عناصر موردشناسی چگونه‌اند؟ ۴. سرانجام انحراف از شکل‌بندی‌ها از چه عواملی تأثیر یافته‌اند؟ بنابراین، چشم‌انداز بافت شهر حاصل پدیده‌های طبیعی و ساختار جامعه انسانی است که به شرح زیر می‌باشد:

الف- پدیده طبیعی: طبیعت، در گام نخست در برپایی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی از نقش‌آفرینی بیشتر برخوردار می‌باشد. با نگاهی به نخستین نقشه تهیه شده از شهر لار در دهه ۱۳۲۰ و نیز عکس هوایی ۱۳۴۲ می‌توان به میزان تأثیرگذاری محیط طبیعی بر بافت کالبدی و چگونگی شکل شهر پی برد. از مهم‌ترین پدیده طبیعی در این شهر، یکی، وجود دو تپه در سمت غرب که بر فراز آن‌ها دو قلعه قدیمی دیده می‌شود و دیگری بستر دو خشک‌رود (مسیل) و نقب‌های منشعب از آن‌ها است.

ب- پدیده‌های انسانی: نگاهی به نحوه مکان‌گزینی پدیده‌های انسان‌ساخت در بافت کالبدی شهر لار، گواه از سیر تحولات تاریخی آن‌ها می‌دهد که می‌توان براین اساس به وجود نظم بر سازمان فضایی و میزان انطباق آن با مدل‌های ارائه شده از شهر سنتی "شرق اسلامی" پی برد.

از این‌رو، می‌توان کارکردهای زیر را در طی زمان برای دو تپه (قلعه) یادشده، تصور نمود:

۱. کارکرد سکونت: مکان زندگی دائم یا موقت انسان‌ها.
۲. کارکرد مذهبی: به‌ویژه به‌لحاظ آیین زرتشتیان و آتش مقدس.
۳. کارکرد امنیتی- نظامی: به لحاظ ساخت قلعه‌ها، دیده‌بانی، پناه گرفتن مردم در مواقع خطر، بروز سوانح طبیعی چون سیل و یا سوانح انسانی مثل جنگ و نیز محل استقرار نیروهای نظامی محلی یا قشون دولت مرکزی.
۴. کارکرد سیاسی- حکومتی: مکان زندگی (فصلی) حکمران لارستان، تبعیدگاه مخالفان حکومتی.

براساس ویژگی‌های یاد شده می‌توان این بخش از شهر را برابر کهن‌دژ دانست.

حصار: شاردن، لار را شهر کوچکی با حدود دو هزار خانه که شیبه خانه‌های روستایی بودند، توصیف می‌کند: «هرخانه دارای باغچه است. از درختان نخل، نارنج و انار. چون باغ‌ها اکثراً فاقد دیوار و درب هستند، هنگامی که از نقطه مرتفعی شهر را تماشا کنیم، به نظر ده بزرگی است و نه شهر» (Eghtedari, 1992, p. 124). چنین برداشتی از وی، احتمالاً به دلیل نداشتن حصار در اطراف شهر بود. اما نبود این عنصر در این شهر را باید نخست، در رابطه با توپوگرافی شهر، یعنی تپه‌ها و بستر خشک‌رودهای یاد شده که به نوعی کارکرد خندق هم دارا بودند، دانست و دوم به لحاظ برخورداری شهر از امنیت بیشتر نسبت به دیگر شهرهای هم ردیف خود در جنوب فارس دانست. با وجود این که لارستان همواره یکی از مناطق قشلاق کوچ‌روها به‌شمار می‌رود (Afsharsistani, 1984, pp. 626-670; Bayat, 1986)، اما در هیچ‌جا سخن از حمله ایلات

کوچنده به شهر لار نرفته است.

دروازه: نبود حصار و برج و بارو در پیرامون شهر به نوبه خود سبب شد تا برخی از عناصر سنتی شهری حذف و یا در پیوند و ترکیب فضایی با دیگر اجزاء و عناصر در کل بافت شهر، انحراف از مدل‌های شهر «شرق اسلامی» را به وجود آورد. از جمله می‌توان به «ربض» و «دروازه» اشاره کرد. هرچند هنوز هم درمیان مردم صحبت از دروازه به میان می‌آید؛ اما در واقع منظور از آن، پایان گذرهای اصلی شهر به سمت آغاز راه‌های کاروان‌رو سنتی پیشین یا جاده‌های کنونی است که مکان قرارگیری «پست راهداری» و نظارت بر مال‌التجاره‌ها و گرفتن عوارض از کاروان‌های تجاری حتی تا اوایل حکومت پهلوی دوم بود. تاورنیه (1984, p. 673) به اهمیت درآمدهای حاصل از راهداری در اقتصاد شهر و ثروت حاکم لار تأکید ورزیده است. تا سال‌های ۱۳۳۰ پرداخت عوارض به شهرداری لار در محل این پست‌ها رایج بود (Eghtedari, 1993, p. 81). این «پست‌های عوارضی» یا به بیان عامه مردم «دروازه‌ها» عبارت بودند از: ۱. دروازه شیراز ۲. دروازه گراش یا اوز ۳. دروازه خور یا بستک ۴. دروازه براك یا بندرعباس.

کاروانسرا: ساختار و کارکرد اقتصادی شهر لار با تکیه بر نقش مکان مرکزی و نیز تا حدی «بارانداز» بودن آن، موجب برپایی کاروانسراهای متعدد در درون شهر و مسیر راه‌ها شد. این کاروانسراها بیشتر زیر نظر یا در مالکیت حکمرانان لار بودند، هرچند که همه کاروان‌ها نیاز به ورود شهر را نداشتند. تاورنیه (1984, p. 673) از وجود دو کاروانسرا در شهر لار یاد می‌کند (Pohanka, 1983, p. 342) و (Eghtedari, 1992, p. 126). آثار کاروانسرای دیگری نزدیک باغ ملی و ابتدای مسیر راه بندر لنگه دیده می‌شود که هنوز آن را «باجگاه» یا «پست صدی سه» می‌نامند. ۲. کاروانسراهایی نیز در درون و مسیر گذرهای اصلی و حاشیه شهر نیز وجود داشتند. از جمله، کهنه، نو، بابا، حسنعلی خانی، منقولی، بنی زمان، حاج عبدالهی یا حکیمی. به غیر از دو کاروانسرای کهنه و نو که احتمالاً مربوط دوران یا حتی پیش از صفویه هستند، بقیه اواخر قاجار و پاره‌ای نیز ابتدای پهلوی ساخته شده بودند. کاروانسرای کهنه یا گلشن تا پیش از زلزله سال ۱۳۳۹ دو طبقه بود که طبقه دوم آن ویران شد و احتمالاً در زمان شاه عباس کارکرد حکومتی «ارگ» داشت.

میدان عمومی: به نظر می‌رسد که مرکز شهر، یعنی میدان عمومی، همچون بازار پیش از به قدرت رسیدن صفویه نیز وجود داشته که تا به امروز بارها بازسازی شده است. این میدان دارای چهار درب یا «دروازه» بود که از طریق چهار گذر اصلی و نیز گذرهای منشعب از آن‌ها به محله‌های مسکونی و راه‌های ارتباطی و تجاری خارج شهر مرتبط می‌شده است. دورتادور میدان را مغازه‌ها و بازار و دو کاروانسرای کهنه و نو فراگرفته است. از این‌رو، هسته مرکزی شهر فاقد هرگونه کارکرد سکونتی بوده و با مفهوم «مرکز بخش تجاری» هماهنگ می‌باشد. درب همه مغازه‌ها به سمت میدان باز می‌شوند و سردر آن‌ها به شکل پیشخوان و ارگ‌های هلالی شکل ساخته بودند. به گونه‌ای که جلوی آن‌ها پیاده‌روی مسقف جلوخان و حدود ۶۰ سانتیمتر بلندتر از کف میدان به‌وجود آمده بود و کاملاً در سایه ارگ‌ها قرار می‌گرفت. این سبک معماری در دو کاروانسرای کهنه و نو نیز به‌کار گرفته شده است.

ارگ (مقر حکومتی): یکی دیگر از کارکردهای میدان عمومی - پیش از ساخت بنای «دارالحکومه» به نام باغ نشاط در زمان کریم‌خان زند - قرارگیری بنای حکومتی یا محل حکمران لارستان در مجاورت بلافاصل آن بود تاورنیه (1984, p. 674). ارگ یا مقر حکومتی که در دو طبقه ساخته شده بود و اکنون اثری از طبقه دوم نیست، به کاروانسرا تغییر کاربری داد. اما بنای حکومتی «باغ نشاط» که در آن سوی خشک‌رود و خارج از بافت سنتی شهر قدیم لار قرار دارد، گواه از نبود پیوند فضایی مقرر حکومتی با سایر اجزاء و عناصر شهر می‌دهد. اقتداری (1972, p. 344) زمان احداث باغ نشاط را مربوط به دوران زندیه می‌داند و نخبه لاری (1992, p. 411) با توجه به شعر منقوش بر آن و حروف ابجد، ایجاد مجموعه باغ نشاط را به سال ۱۲۵۱ ه.ق (۱۸۳۴ م) احتمال می‌دهد. بی‌تردید با احداث این بنا، به‌تدریج مقر حکومتی نیز از حاشیه میدان به مکان یاد شده منتقل می‌شود.

بازار: پیشینه عنصر بازار در این کلان ناحیه فرهنگی از جهان را باید هم‌زمان با پیدایش شهر به شمار آورد (Memford, 1984, pp. 98-118). به‌گونه‌ای که شهر بدون بازار معنا و مفهوم نمی‌یافت. از سوی دیگر در مواردی بازارها توانستند به نوبه خود زمینه‌ساز برپایی شهر شوند (Iranica, 1989, pp. 21-52; Daneshnameye jahane eslam, 1993, p. 387). از این‌رو، برخی براین باورند که بازار تنها وجه مشخصه و خصیصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای اسلامی می‌باشد و بدین لحاظ یک واحد جدایی‌ناپذیر را به‌وجود می‌آورد (Wirth, 1982, p. 75). شهر و بازار «قیصریه» لار نه تنها جدا از این مقوله نیست، بلکه خود موردی در تأیید این نظریه است. در یک مطالعه تطبیقی به لحاظ معماری، ساخت و به ویژه نحوه ترکیب فضاهای بازار لار در گستردگی فضایی خود با دیگر بازارهای مشابه روشن می‌شود که بازارهای دیگر از بازارچه‌های متعدد تشکیل می‌شوند که هر یک جزئی از یک کل به‌شمار می‌روند (Ziyaetavana, 2001). سیلوا فیگوئروا (1989, p. 88) که در سال ۱۶۱۷ از طریق هرمز به لار و اصفهان آمد، بازار قیصریه لار را در یک کلام چنین توصیف می‌کند: «ساختمان این بازار به قدری مجلل است که می‌تواند رونق بخش زیباترین شهرهای جهان باشد که شهر لار در شمار متوسطین آن‌ها نیز قرار نمی‌گیرد» یکی از دلایل صلیبی شکل بودن سبک بنای بازار، شرایط اقلیمی ناحیه گرم لارستان بود. تاورنیه (1984, p. 676) از کاروانسراهایی یاد می‌کند که به بازار لار شباهت داشتند.

مذهبی: پاره‌ای براین باورند که بازارها و مراکز مهم دینی شهر، چون مسجد جامع، امامزاده‌ها، تکیه‌ها و غیره در کنار یکدیگر و در امتداد گذرهای اصلی یا میدان عمومی پا گرفته و گسترش یافته‌اند (Dettmann, 1969, p. 300). با وجود پیوندهای محکم و گسترده بین روحانیت و مردم، به‌ویژه با تجار و کسبه در شهر لار، جدایی فضایی مسجد جامع و بازار قیصریه، این نظریه را به سوی پژوهشی ژرف‌تر می‌کشانند. قدمت بسیار این مسجد، در هیچ یک از سفرنامه‌ها اشاره به آن نشده و پوهانکا نیز مطالعه آن را به‌عنوان یک بنای تاریخی به دست فراموشی سپرده است. مینورسکی (1963, pp. 17-18) با برداشت از حسینی فسایی (1989, p. 1508) پیشینه احداث این بنا را به پیش از اسلام نسبت می‌دهد. اما نخبه لاری (1992, p. 412) باور دارد که این بنا به سال ۷۰۶ ه.ق. ساخته شده است. نبود پیوند فضایی و به تبع آن بی‌تأثیر بودن مسجد جامع بر فعالیت‌های اقتصادی و بافت بازار قیصریه را می‌توان چنین برداشت کرد: ۱. مقاطع گوناگون زمانی در ساخت دو عنصر یاد شده. ۲. دارا بودن کارکردهای مذهبی بازار لار پیش از اسلام. ۳. برتری تجارت و اقتصاد بردین با توجه به موقعیت شهر لار به‌ویژه پیش از ورود اسلام به این ناحیه. ۴. پیوند قوی‌تر بین دستگاه حکومتی و اقتصاد شهر. ۵. نحوه مالکیت بر بازار لار. ۶. قرار داشتن بناهای دیگری به جای مکان کنونی هریک از دو عنصر به ویژه پیش از اسلام. ۷. نزدیک‌تر بودن «بازار کهنه» به مسجد جامع حتی نزدیک‌تر بودن مسجد جامع به «بازار کهنه»، با توجه به نبود تأثیرات دوسویه بین آن‌ها، خللی در نظریه فوق ایجاد نمی‌کند. مسجد جامع شهر لار پس از زلزله سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) به گونه‌ای نو تعمیر شده که فاقد بافت سنتی خود بود و تا سال ۱۳۷۰ کارکرد اصلی خود را به‌عنوان مهم‌ترین مسجد شهر به لحاظ برگزاری نماز جمعه و مراسم عبادی (و سیاسی بعد از انقلاب) حفظ نمود. اما با پایان یافتن ساختمان حسینی اعظم، مسجد جامع عملاً به حاشیه رانده شد. اما از سال‌های ۸۱-۸۰ که مجدداً به بازسازی آن اقدام نمودند، کارکردهای خود را به دست آورده است.

گرمابه‌ها: چون شستشو همواره یکی از آئین‌های مهم در ایران باستان و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی به‌شمار می‌رفت و پاک نگه‌داشتن جسم به نوعی با پالایش روان نیز تعمیم داده می‌شد، پس گرمابه، نه‌تنها به‌عنوان یک بنای خصوصی بلکه بنایی عام‌المنفعه مورد توجه دستگاه حاکمه و نیز اقشار گوناگون به‌ویژه مرفه و خیرخواه جامعه قرار داشت. گرمابه‌ها در واقع کارکردهای متعددی در دوران خود داشتند و از این‌رو، در شهرهای بزرگ بناهای با عظمتی را به‌وجود می‌آوردند (Fakhariyetehrani, 2000, pp. 94-106). شهر لار با توجه به کارکردهای متعدد آن، جدا از چنین ویژگی نبود. به‌طوری‌که در ابتدای دهه ۱۳۲۰، تعداد هجده گرمابه عمومی در سطح شهر وجود داشت که مهم‌ترین آن‌ها، گرمابه میر بود.

برکه (آب‌انبار): شرایط محیط طبیعی به‌ویژه محدودیت منابع آب در لارستان، ضرورت چاره‌اندیشی برای حل این مشکل را می‌خواهد. از این‌رو، یکی از راه‌کارهای بهره‌گیری از آب باران، جمع‌آوری آن‌ها در آب‌انبارها بود. لارستان را می‌توان همچون کاشان و یزد الگویی پیشرفته دانست. به‌گونه‌ای که برکه به‌عنوان یک عنصر زندگی در کنار دیگر عناصر شهری قرار گرفته‌است. با پدید آمدن شهرها و محله‌های جدید، آب‌انبارها به‌سان عناصر مرکزیت‌دهنده در کنار مساجد، مدارس، بازارها و کاخ‌های دولتی قرار گرفت. در این فرآیند نقش حیاتی برکه‌ها در بافت شهرها و تکامل طرح و شیوه بنا و بعد هنری و معماری آن‌ها چنان چشم‌گیر است که می‌توان برخی از نمونه‌های این پدیده را هم-سنگ برخی مساجد بزرگ و آرامگاه‌ها دانست (Varjavand, 1978, pp. 5-6). در این راستا، برکه می‌توانست به تنهایی عمل نماید و سایر عناصر محله‌ها را متأثر از خویش سازد و یا مکمل آن‌ها باشد. تاورنیه (1984, pp. 675-676) درباره اهمیت آب و ساخت برکه در شهر لار می‌نویسد: «در شهر لار و حول و حوش آن، آب‌انبارهای بزرگ به تعداد زیاد وجود دارد و لازم است هر قدر بتوانند آب انبار بیشتری داشته باشد، زیرا گاهی اتفاق می‌افتد که دو سه سال در آنجا بارندگی نشود. وقتی باران می‌بارد، روز اول سوراخ‌های آب‌انبارها را می‌بندند و نمی‌گذارد آب داخل آن‌ها شود. پس از آن که یک روز بارید و باران ابتدا زباله‌های زمین او داخل نهرها را شست‌وشو داد، آن وقت آب را به آب‌انبارها می‌بندند. عمل تقسیم آب در لار خیلی منظم است. گویا این آب‌انبارها همه خمره شراب هستند. هرگز بیش از سه آب‌انبار را یک مرتبه باز نمی‌کنند و در وقت بازکردن حاکم یا امین او باید حاضر باشد». از نوشته فیگوئروا (1984, p. 90) نیز می‌توان به پیشینه این ویژگی پی برد. منبع تأمین آب برکه‌های شهر، بارانی است که در خشک‌رودهای ذکر شده جریان می‌یابد. آب حاصل از بارندگی به «مسیر لاغر» در خارج از شهر ریخته از طریق خشک‌رود شور، دو شاخه به شهر وارد می‌شود. نهرها و شاخه‌های فرعی (مَمَر) که به آب‌انبارها منتهی می‌شوند و نیز مکان‌گزینی برکه‌ها از شیب طبیعی در شهر پیروی می‌کنند. آب‌انبارهایی نیز وجود داشته‌اند که آب مورد نیازشان از نهرها تأمین نمی‌شد، بلکه از آب جاری گذرها، کوچه‌ها و بام‌خانه‌ها به هنگام بارندگی به‌دست می‌آمد. تا حدود سال‌های ۱۳۴۰ عمل لایروبی و مرمت و نگهداری از نهرها و شبکه‌های سنتی آبرسانی و نظارت بر حق آبه‌ها همگی دارای مقررات بود و ساکنان هر محله باید سهم و وظیفه‌ای از این مهم را برعهده می‌گرفتند. ساخت برکه‌ها به گونه وقف توسط افراد خیر نیز احداث می‌شده است. هر چند بهره‌گیری از آب برکه‌ها برای همگان آزاد است، اما پاره‌ای از برکه‌ها که در مجاورت بلافصل یا درون منازل ثروتمندان یا قشرهای مرفه شهری ساخته شده‌اند، صرفاً به آن‌ها اختصاص داشته‌است. پاره‌ای از مردمان تهی‌دست با فروش کوزه‌های آب، پر شده از برکه‌ها، نیز روزگار می‌گذرانند که به نام «سقا» مشهور هستند. یهودیان به هنگام سکونت در لار، برای خود برکه‌ای جداگانه داشتند و اجازه برداشتن

آب از برکه‌های دیگر، به‌ویژه مسلمانان، به آن‌ها داده نمی‌شد. با بهره‌برداری از آب لوله‌کشی از سال ۱۳۳۸ به این سو، به تدریج از نقش و کارکرد برکه‌ها کاسته شد، اما هنوز به خاطر کیفیت نه‌چندان مطلوب آب لوله‌کشی و قطع آب در مواردی، از آن‌ها استفاده می‌شود. به‌طوری که در حدود سال‌های ۲-۱۳۲۰ حدود ۱۳۰ برکه در سطح شهر شمارش شد که ۲۵/۵ درصد از کل تأسیسات شهری را به خود اختصاص می‌داد (جدول ۱). سی سال بعد تعداد برکه‌های شهر قدیم ۱۱۰ بود (جدول ۲).

جدول ۱: تعداد تأسیسات عمومی شهر لار برحسب محله‌های گوناگون به سال ۱۳۲۲ ه.ش.

ردیف	تأسیسات عمومی نام محله	خانه	آب انبار	مسجد و امامزاده	دکان	کاروانسرا	همخانه	انبار و گاراژ	حمام	چاه آب	غسالخانه	قبرستان	طوبله	عمارت	جمع	
															تعداد	درصد
۱	پاقلعه	۲۰۳	۲	۱	۸	-	۱	۱	-	-	۱	-	۲	-	۱۶	۲/۳
۲	چاشهر	۲۰۷	۹	۱۰	۲۵	-	۵	۳	۳	۲	-	۲	۴	-	۶۵	۸/۱۲
۳	بازار کهنه	۸۴	-	-	۱۷	-	۱	۱	۱	۱	-	-	۳	۱	۱۶	۲/۳
۴	محله نو	۳۳۳	۲۷	۵	۳۲	-	۵	۴	۳	۵	۱	۱	۴	۳	۹۱	۱۸
۵	قدمگاه	۱۱۰	۲	۱	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴	۸/۰
۶	درویشان	۶۴	۳	۱	۳۴	-	۱	-	-	-	-	-	۲	۱	۴۲	۳/۸
۷	کومو	۱۳۵	۱۲	۴	۱	-	-	-	۲	۲	-	۱	۲	۵	۲۹	۷/۵
۸	امامزاده	۱۱۱	۱	۱	۱۲	-	-	-	-	۱	-	-	۲	-	۱۹	۸/۳
۹	کوی بازار	۳۸	-	-	۱۶	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱۸	۶/۳
۱۰	کوی قوال	۹۳	۹	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	-	۱۲	۴/۲
۱۱	خرمن زار	۱	۶	-	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	۲	۱۰	۲
۱۲	کوريجان	۷۸	۱۲	۳	-	-	-	-	۱	۲	۲	-	۱	۳	۲۴	۷/۴
۱۳	قصاب	۳۱	۱	۴	۲	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۹	۸/۱
۱۴	پیرغیب	۱۷۴	۱۲	۷	۷	-	۹	۲	۲	۲	-	-	۲	-	۴۱	۱۸
۱۵	گود	۶۲	۱	-	۱	-	۱	۲	۲	۲	-	-	۲	-	۱۰	۲
۱۶	دم گاله	۷۱	۵	۲	۲	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-	۱۰	۲
۱۷	قنبربیگی	۱۷۹	۳	۵	۹	-	۴	۱	۴	۱	-	-	۱	-	۲۸	۵/۵
۱۸	کوی شیخ	۱۱۰	۷	۲	۴	-	-	-	-	-	-	-	۲	-	۱۷	۴/۳
۱۹	میان شهر	۴۴	۲	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۴	۸/۰
۲۰	کوره پزی	۱۶	۷	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۸	۶/۱
۲۱	مصلی	-	۲	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۴	۸/۰
۲۲	عشرت آباد	-	۲	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۳	۶/۰
۲۳	زینعلی	-	۱	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۳	۶/۰
۲۴	باغ	۲۹	۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	۴	۸/۰
۲۵	ساباط حاج	۱۰	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲/۰
۲۶	فضل اله	۹	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲/۰
۲۷	آب فروشان	۱۰	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲/۰
۲۸	دروازه شیراز	۲۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۹	آقا	۴۸	-	۱	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۶/۰
۳۰	سبزکو	۴۷	-	-	۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴	۸/۰
۳۱	پشتو	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	جمع کل	۲۳۲۲	۱۳۰	۴۸	۱۸۰	۶	۳۰	۱۵	۱۸	۲۲	۵	۷	۳۱	۱۵	۴۹۷	۱۰۰

جدول ۲: رقبات موقوفه در شهر لار به سال ۱۳۸۸

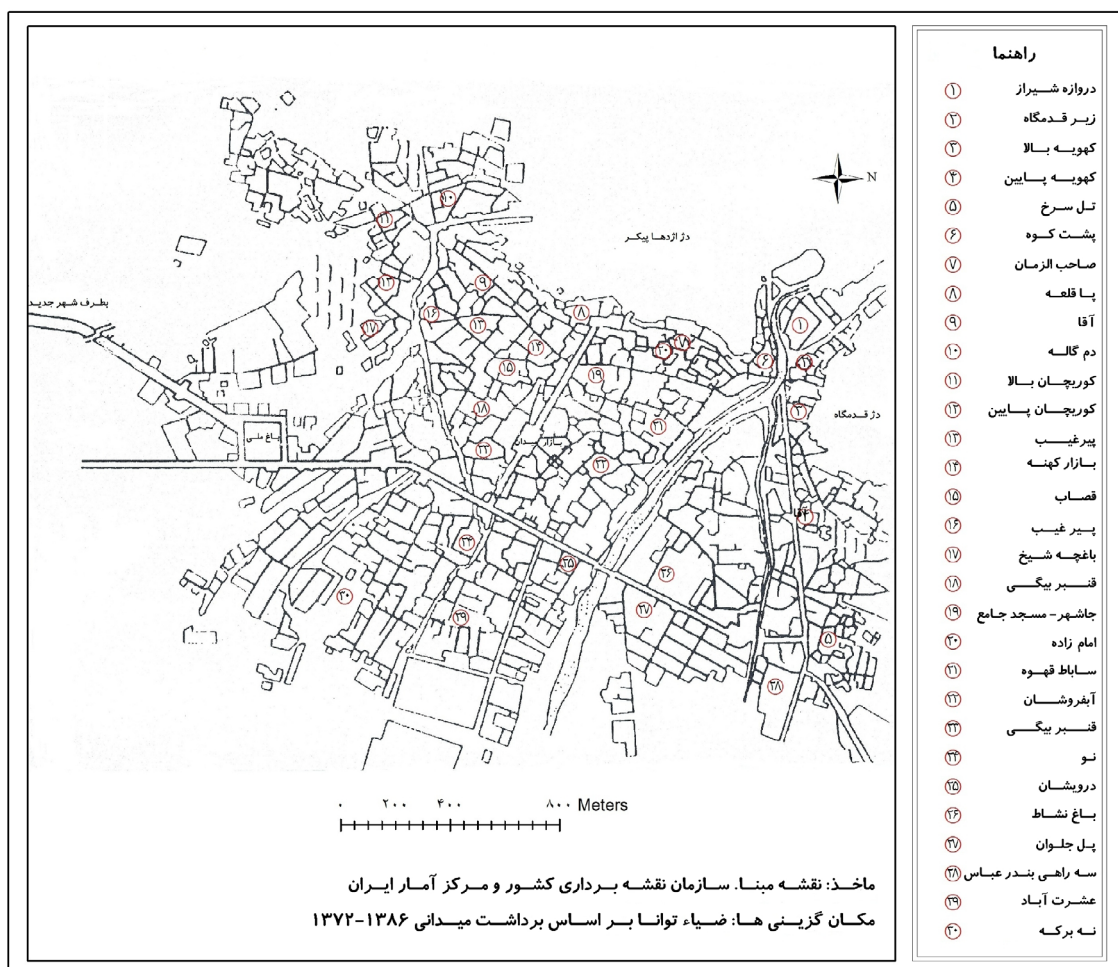
ردیف	نام محله	تاسیسات عمومی			غیراستیجاری		استیجاری		کل	
		تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد	
			a	b		a	b		a	b
۱	آب انبار	۲۶۷	۴	۶	۱۰۱	۱	۲۷/۴	۳۶۸	۴	۱۰۰
۲	عرصه مسکونی	۱۳۲۱	۱۳/۰	۷۲/۰	۹۰	۶/۰	۶/۴	۱۴۱۱	۱۰/۰	۱۰۰
۳	عرصه و اعیانی مسکونی	۴	۶۸/۸	۹۳/۶	۴	۵/۵	۵۰	۸	۳۹/۴	۱۰۰
۴	عرصه و اعیانی تجاری	۹۰	۰/۲	۵	۱۲۶۲	۰/۲	۹۳/۳	۱۳۵۲	۰/۲	۱۰۰
۵	عرصه آموزشی	۲۰۷	۴/۷	۶/۷	۱۷۱	۷۶/۲	۴۵/۲	۳۷۸	۳۷/۷	۱۰۰
	عرصه مزروعی									
۶	متفرقه	۱۷	۰/۹	۵۰	۱۷	۱	۵۰	۳۴	۰/۹	۱۰۰
۷		۱۵	۰/۸	۷۹	۴	۰/۲	۱۱	۱۹	۰/۵	۱۰۰
۸		۸	۰/۵	۵	۸	۰/۵	۵	۱۶	۰/۴	۱۰۰
	جمع	۱۹۲۹	۱۰۰	۵۳/۸	۱۶۵۷	۱۰۰	۴۶/۲	۳۵۸۶	۱۰۰	۱۰۰

(a- درصد نسبت به کل انواع کاربری‌ها و b- درصد نسبت به هر یک از کاربری‌ها)

شبکه گذرها و کوچه‌ها: هنگام شکل‌گیری شهر، میزان تأثیرپذیری بافت کالبدی از شبکه‌های آبرسانی به برکه‌ها بیشتر بود. اما با گسترش فضایی و رشد جمعیت شهر، نیاز به آب‌انبار بیشتر شد. به‌گونه‌ای که پاره‌ای از آبراه‌ها از درون حیات منازل و حتی زیر ساختمان عبور می‌کنند. از آنجا که لار از ابتدا کارکرد و نقش آفرینی شهری داشت، لذا برخلاف برخی از شهرها که از ادغام روستا به‌وجود آمده‌اند، چون میبد (Janebelahi, 1987, pp. 73-95)، شبکه‌های آبرسانی شهری تفاوت بنیادین با آن‌ها دارد. در مکان تقاطع چند گذر اصلی، فضای باز و گسترده‌ای وجود داشته است که اغلب دارای یک یا چند برکه، مسجد یا حسینیه محلی و نیز چند مغازه بوده‌اند. این فضا در حقیقت «مرکز» هر محله را تشکیل می‌داده است. از گذرهای اصلی و یا کوچه‌ها گه‌گاه بن‌بست‌هایی منشعب و منتهی به یک یا چند خانه می‌شود. گذرها علاوه بر امکان دستیابی به مراکز محله و مرکز شهر، امکان دسترسی سریع و راحت‌تر به آب‌انبارها را هم فراهم می‌نمایند. از آنجا که مکان قرارگیری کوچه‌ها و یا گذرهای مسقف بر روی نقشه شهر به گونه بن‌بست ترسیم شده‌اند، لذا گستردگی بن‌بست‌ها را در ذهن تداعی می‌کند. در حالی که احداث سقف‌هایی که به آن‌ها «ساباط» گفته می‌شود، چندین کارکرد را دارا بودند: ۱. سرپناه به هنگام بارش شدید و یک باره در ضمن کوتاه‌مدت (رگبار) که از خصوصیات اقلیمی این ناحیه است، به‌ویژه در فصول گرم سال. ۲. سایبانی برای عابرین به هنگام تابش شدید خورشید. ۳. برقراری ارتباط بین حداقل دو واحد مسکونی در دو سوی یک کوچه یا گذر از طریق پشت‌بام و طبقه فوقانی منزل و بنای ساخته شده بر روی ساباط. ۴. قرارگیری بخشی از فضای مسکونی برخی از منازل ثروتمندان و سرشناسان به‌عنوان مهمان‌خانه بر روی سقف ساباط‌ها. ۵. مراقبت از گذرها از طریق پشت‌بام یا فضای ایجاد شده بر روی ساباط‌ها. ۶. تفکیک فضایی یک محله از محله دیگر. ۷. قرارگیری برخی از اجزاء و عناصر یک محله چون دکان، تکیه، حسینیه و غیره در زیر آن‌ها که بازارچه کوچکی را به‌وجود آورده‌اند. برخی از این ساباط‌ها تا حدود نیم قرن پیش دارای درب‌های بزرگ چوبی بودند که شب هنگام بسته می‌شدند. وجود درب در این مکان‌ها دارای کارکردهایی چون تفکیک یک محله از محله دیگر و نیز برقراری امنیت نسبی بیشتر در کل شهر و هر محله بود. ۴. با این وجود شهر قدیم لار خالی از کوچه‌های بن‌بست نیست. علت تشکیل بن‌بست‌ها را نباید صرفاً به عامل امنیت، مرتبط دانست، بلکه به‌دنبال عوامل دیگری چون حریمت، مناسبات خانوادگی و طایفه‌ای و به‌ویژه مسئله مالکیت و تفکیک یک خانه بزرگ به چندین خانه مسکونی در پیوند با مسئله رشد خانوارها و یا ارث و نیز فراهم‌نمودن امکان دسترسی هر یک از خانه‌های احداث شده از طریق بن‌بست‌ها به کوچه یا گذر اصلی بود. طراحی توزیع فضاها در دو یا چهار سوی واحدهای مسکونی، نه تنها به شرایط اقلیمی و جهت تابش آفتاب در فصل‌های سال اندیشه می‌شد، بلکه بعد خانوار، توانمندی اقتصادی و جایگاه اجتماعی سازنده یا مالک بر ساخت آن تأثیرگذار بود. محله‌های مسکونی: زلزله‌خیز بودن منطقه و خشکسالی‌ها و رخدادهای تاریخی چون جنگ‌ها که هر دو تلفات انسانی و تخریب عناصر و فضای شهری را به‌دنبال داشته‌اند، سبب شده که شهر لار و تمامی لارستان در برهه‌های زمانی گوناگون مهاجر فرست و پس از بازسازی و رونق دگر بار مهاجرپذیر باشد. از جمله رخدادهای انسانی، می‌توان به کشف حجاب (سال ۱۳۱۶) و استخراج نفت در کشورهای جنوبی خلیج فارس و به دنبال آن برپایی و شکوفایی «نفت شهر» یا «نفت دولت»‌ها و بالاخره «مدرنیته شهری» با الگوی غربی اشاره کرد. عوامل یاد شده به نوبه خود دگرگونی در بافت کالبدی و ساختار

اجتماعی- اقتصادی محله‌های سنتی شهر قدیم را سبب شدند. با این حال، کوشش شده تا پاسخگویی به طرح مسائل مربوط به این عنصر شهری از شهرهای «شرق اسلامی» در چارچوب تعریف آن را یافت (Ziyaetavana, 1991, p. 176) حسینی فسایی (Hooseynifasayi, 1989, p. 1506) اولین کسی است که از محله‌های شهر لار در یک قرن پیش سخن به میان می‌آورد: «... و شهر لار در قدیم نزدیک به ۷ تا ۸ هزار خانه داشته و اکنون به ۲ هزار خانه نرسد و آن را چندین محله است مانند پیرغیب، محله جدید، کوریجان و محله کهود». براساس اولین آمار از شهر لار توسط اداره ثبت اسناد و املاک به سال ۱۳۲۲، این شهر جمعاً سی محله و ۲۳۲۲ باب خانه مسکونی داشت. از میان تأسیسات عمومی و خدماتی محله‌ها در سطح شهر مغازه‌ها با ۱۸۰ باب (۳۵/۵ درصد) در ردیف اول و سپس برکه‌ها با ۱۳۰ بنا (۲۵/۶ درصد) در ردیف دوم قرار داشتند. در این سرشماری تعداد مغازه‌های اطراف میدان و بازار به لحاظ بسته بودن فضای آن در مفهوم "مرکز بخش تجاری" محاسبه نشده است. اگر تعداد ۱۷۴ مغازه بازار و ۷۰ مغازه اطراف میدان در همان سال در نظر گرفته شود، رقمی برابر ۲۴۴ به دست می‌آید. بدین ترتیب نسبت واحدهای مسکونی به مغازه‌ها ۵/۵ می‌شود که این تعداد بیش از نیاز ساکنین شهر بود. از این رو، نقش و کارکرد تجاری- خدماتی شهر لار برای حومه روستایی و حوزه نفوذش روشن تر می‌شود. نحوه توزیع فضایی مغازه‌ها در شهر نه تنها در رابطه با جمعیت یا تعداد خانه‌ها، بلکه با کارکردهای دیگر هر محله و نیز وجود نهادهای فرهنگی- مذهبی و نحوه دسترسی به مرکز بخش تجاری در ارتباط بود (شکل ۱).

شکل ۱: سیما و محله‌های شهر قدیم لار ابتدای سال ۱۳۵۰



ماخذ: نقشه مینا. سازمان نقشه برداری کشور و مرکز آمار ایران
مکان گزینی‌ها: ضیاء توانا بر اساس برداشت میدانی ۱۳۸۶-۱۳۷۲

در میان مجموعه عوامل در تفکیک یا هویت‌یابی محله‌ها، عامل مذهب بارزترین نقش را داشته‌است. برای نمونه، حضور کلیمیان در این شهر، حداقل از چهارصد سال پیش تا تشکیل کشور اسرائیل، سبب به وجود آمدن محله نسبتاً تفکیک شده از دیگر محله‌های شهر شده‌بود. کلیمیان در رونق بخشیدن فعالیت‌های اقتصادی شهر لار نقش‌آفرین بودند به طوری که تاورنیه (1984, p. 675) شدت یافتن جریانات و تعصبات مذهبی در دوره ناصرالدین‌شاه و نیز رخدادهای سیاسی- مذهبی انقلاب مشروطه زمینه مهاجرت یهودیان و یا گرویدن اجباری آنان به دین اسلام را به وجود آورد (Sadidolsaltanekababi, 1983, p. 428). تشکیل دولت اسرائیل نیز سهم مهمی در مهاجرت یهودیان از لار داشت. مهم‌ترین عنصر ساختمانی این جامعه غیرمسلمان «کنیسا» با محرابی (هخال) به سمت بیت‌المقدس است که تا سال ۱۳۷۰ در محله جاشهر پا بر جا

کارکردهای یاد شده، کارکرد اقتصادی به‌ویژه تجارت از نقش‌آفرینی مستمر و نیز برجسته‌تری برخوردار بوده است. این شهر هر چند به لحاظ سوانح طبیعی و رخدادهای انسانی در طی تاریخ بارها دستخوش فراز و فرود شده است، با این حال، می‌توان تا حدودی مراحل زمانی رشد فضایی و نیز برپایی عناصر عمده شهری و نحوه ترکیب آن‌ها را در بافت کالبدی در تطابق با مدل‌های ارائه شده از شهر شرق اسلامی مشخص نمود. بی‌گمان باید هسته اولیه سکونت‌گزینی و برپایی شهری - هر چند کوچک - را بر بالای دو تپه واقع در غرب شهر کنونی لار به شکل قلعه (کهندژ) دانست که به تدریج بر روی دامنه‌های کم شیب‌تر شرق و جنوب گسترش یافت. به موازات این عارضه طبیعی، وجود بستر دو خشک‌رود حاصل از عمل طبیعت و نیز انسان ساخت و نهرهای آبرسانی منشعب از آن‌ها بر تعیین حدود و شبکه گذرها و کوچه‌ها سبب شده تا شهر لار، با انحراف از مدل‌های شهر شرق اسلامی، فاقد حصار و به تبع آن برج و بارو و دروازه باشد. وجود چنین نظامی در ترکیب و پیوند عناصر یاد شده، با وجود جدایی مکانی - فضایی از مسجد جامع، در برابر وجود مقبره و زیارتگاه «پیر پنهان» در مجاورت دیوار بازار قیصریه، ضمن همپوشی با مدل‌های شهرهای سنتی «شرق اسلامی»، تأکیدی بر این نظریه است که «میدان عمومی و بازار قلب شهر را تشکیل می‌دهند». از آنجا که هسته مرکزی شهر، فاقد هرگونه کارکرد سکونتی بوده است و حتی منزل مسکونی حکمران لارستان از حدود چهارصدسال پیش خارج از این فضا و در مکان‌هایی چون ساختمان «چهل فواره» یا «باغ نشاط» و بالاخره از زمان پهلوی در «فرمانداری» قرار داشت، پس فضای یاد شده با «مرکز بخش تجاری» هم‌خوانی کامل دارد. بازسازی و شکل‌گیری بازار قیصریه حداقل طی چهار سده اخیر، نه در امتداد گذرهای اصلی و دروازه‌های شهر بوده و نه کاروانسراها، تیمچه‌ها، سراها و یا بناهای مذهبی را در درون یا مجاورت بلافصل خود با راهی به آن‌ها جای داده است، بلکه بنایی مستقل را تشکیل می‌داده که چندان تغییری هم در معماری آن رخ نداده است. چنین ویژگی به احتمال زیاد در رابطه با نحوه مالکیت خصوصی (فردی) به ویژه دستگاه حاکمه لارستان بر تمامی عناصر این هسته مرکزی باید دانست. به تملک درآوردن تمامی بازار، مغازه‌های اطراف میدان و دو کاروانسرا در ضلع جنوب آن براساس نظام زورمداری توسط بیگلربیگی لارستان در زمان ناصرالدین شاه، سندی معتبر برای چنین فرضیه‌ای است. مراحل بعدی رشد کالبدی شهر عمدتاً به لحاظ گسترش محله‌های مسکونی، متأثر از ساختارهای طایفه‌ای و قومی و برنامه‌ریزی توسعه شهر توسط دولت است. کوتاه سخن آن که تغییرات در شکل و بافت شهر لار و به دنبال آن مکان‌گزینی عناصر شهری را نیز تا حد زیادی متأثر از عوامل و نیروهای بیرونی باید دانست.

۱. مناقشات بین حکام محلی لارستان با حکومت‌های مقتدر مرکزی ایران از جمله تبعید پادشاه لارستان در زمان شاه‌عباس به دربار وی در اصفهان؛ احداث مقر حکومتی جدید در اواخر زندیه با نام «باغ نشاط» در بیرون از محدوده سنتی شهر که تمامی مدل‌ها را به زیر سؤال می‌برد. ۲. به حکومت رسیدن خان‌گراش به‌عنوان بیگلربیگی لارستان در دوره قاجار. ۳. جریانات مدرنیسم و مدرنیته دستوری از به قدرت رسیدن پهلوی و پیامدهای آن به گونه احداث خیابان‌ها و فلکه و غیره و ادامه آن در چارچوب اجرایی طرح‌های تفصیلی و جامع به‌ویژه در سه دهه اخیر. به‌طوری‌که اولین خیابان‌های احداث شده در فاصله ۲۸-۱۳۲۷ از جمله خیابان آیت‌الله خامنه‌ای (همت سابق)، خیابان میدان (از همت تا میدان) و خیابان گردان (از همت به سمت شرق و پادگان نظامی لار) هستند.

پی‌نوشت

۱. به‌کارگرفتن واژه «قدیم» به خاطر ساخت «شهر جدید» پس از زمین لرزه شدید به سال ۱۳۳۹ در فاصله شش کیلومتری «شهر قدیم» است.
۲. منظور از اصطلاح «صدی سه»، دریافت سه درصد عوارض راهداری از مردم بود.
۳. امروزه مکان این بنا به «تلمبه شهر» معروف است.
۴. درب ورود این منزل‌ها معمولاً زیر ساباط‌ها قرار دارد. با شروع به کار اداره ثبت اسناد و املاک لار (۱۳۱۸)، برای بسیاری از بناهای قرار گرفته بر روی ساباط‌ها از سوی مالکین تقاضای پلاک ثبتی جداگانه با عنوان «مهمان‌خانه» گرفته شد.

References

- Afshar Sistani, I. (1990). *The Ills, Nomadices and Nomadic Tribes of Iran*. Publishing Institution of Knowledge Generation. Tehran, 2nd Ed. (In Persian)
- Aubin, J. (1955). Reference Pour Lar Medieval. *Journal Asiatique*, 243, 491-505.
- Battutah, I. (1983). *Ibn Battutah Travel*. (M.A. Movahed, Trans.). Center for Scientific and Cultural Publishing. Ministry of Culture and Higher Education. Tehran, Third edition. (In Persian)
- Bayat, K. (1987). *Southern Nomadic of Rebellion*. Silver Publication, Tehran, 1st Ed. (In Persian)
- Calmard, J. (1986). *Lar, Laristan. The Encyclopaedia of Islam*. New Ed. E.J. Brill. 5, 665- 679. Leiden.
- Dettmann, K. (1969). *Damaskus*. Eine Orientalische Stadt zwischen Tradition und Modern. Erlangen.
- Ehlers, (Ed). (1992). Modelling the City- Cross- Cultural Perspectives. Bonn, Colloquium Geographicum, Bd. 22, 89-107
- Ehlers, E. (1990). *The City of the Islamic Middle East; A German Geographer, S Perspective*. In: Papers in Honor of Prof. Ehsan Yarshater, Acta Iranica, Xvi, 30, Leiden.
- Ehlers, E. (1993). Die Stadt des Islamischen Orients. Modell und Wirklichkeit. *Geogr. Rundschau, Jhg.* 45, H. I., 32-40
- Encyclopaedia Iranica (1989). *S. Bazar*. (Yarshater, Ed.). IV, 21-52.
- Minorsky, W. (1936). Lar. In: *Enc. Islam*, I. 3., 17-18.
- Pohanka, R. (1983). Die Historische Bauwerke der Stadt Lar, Sudiran. In: *Archaeolo – gische Mitteilungen aus Iran*. Bd. 16, 325-362.
- Pohanka, R. (1986). Karvanenwege and Karvanserais in Laristan: Die Strassenabschnitte Lar- Djahrom, Lar- Khundj und Lar- Bastak. In: *Ani*, 285-307.
- Scharabi, M. (1985). *Der Bazar. Das Trditionelle Statt- Zentrum in Nahen Dsten Und Seine Handels Einrichtungen*. Erst Wasma, Th Verlag. Tuebingen.
- Schweizer, G. (1990). Die Stadt... u: Der Bazar, das Herz der islamisch – orientalischen Stadt. In: *Der islamische Orient*. Grundlagen Laenderkunde eines Kulturraumes. Islam- Geschichte- Religion. Bd. 1. Koeln. S. 196-219
- Stoeber, G. (1995). Modelle in Wissenschaft und Unterricht. Das Beispiel “der Orient- alisch- Islamischen Stadt”. In: *Inter. Schnlbnchforschung, GEI*, Braunschweig. 17 Jhg, 283 – 299.
- Wirth, E. (1974-1975). Zum Problem des Bazar (Sug, Carsi). Versuch einer Begriffsbesti – mmung und Theorie des traditionellen Wirtschaftszentrums der orientalis – islamischen Stadt. In: *Der Islam*. Bd. 51, 203-260/ Bd. 52, 6-46
- Wirth, E. (1982). Villes islamigues, Villes arabes, Villes Orientales? Une problema – tigne face ou changement. In: *La Ville arabe dans l, Islam*. Ed: A. Bouhdiba and D. Chevalier. Tunis.
- Wirth, E. (1991). Zur Konzeption der islamischen Stadt. In: *Die Welt des Islams*. Bd. 31, 50–92.
- Campfire, E. (1985). *Campfire of Travel*. (K. Jahandari, Trnas.). Kharazmi Publication. Tehran, 3rd Ed. (In Persian).
- Castello, F. (1990). *City in the Middle East*. (P. Piran & A. A. Rezaei Trans.). Nei Publication, Tehran, 1st Ed. (In Persian).
- Characteristics and Problem of the Muslim World. Imam Hossain Uni: Tehran 1992, 23-29.
- Chardin, J. (1957-1967). *Chardin of Tour*. (M. Abbasi. Trans.). Amir Kabir Publications (In Persian).
- Eghtedari, A. (1993). *Old Laristan and Larestani Culture. Contemporary World of Publications*. Tehran, 2nd Ed. (In Persian).
- Eghtedari, A. (1994). *Convoy of Age. The Political-cultural Memories of Seventy-Year-Old*. Publisher; author. Tehran, 2nd Ed. (In Persian).
- Ehlers, E. (1995). *Islamic-Orient of City. Model and Reality*. New writing: Mohammad Hassan Zia Tavana and Mostafa Momeni. In: *Geographic Research Quarterly*, 9(1), 27-66 (In Persian).
- Encyclopaedia of the Islamic World (1994). Bazar-Baj (b of Letter, three of part). Under Supervision

- Seyyed Mosstafa Mirsalim. The foundation of Islamic Encyclopedia, 305-405. (In Persian).
- Fakhary Tehrani, F. (1998). Baths in Time View. *Soffeh*. Shahid Beheshti University, 10(30), 94-106 (In Persian).
 - Fakouhi, N. (2005). *Urban Anthropology*. Nei Publication, Tehran, 2nd Ed. (In Persian).
 - Hosseini Fasaee, H. M. (1989). *Farsnameh Naseri*. Correction and Margin: Mansour Rastegar Fasaee. Amir Kabir Publications, Tehran, 1st Ed. (In Persian).
 - Mumford, L. (2003). *Civilization and Civil Society in the Context of History*. (A. Azimi Bolourian, Trans.). Rasa Cultural Services of Publication and Center for International on Civilizations Dialogue. Tehran, 1st Ed. (In Persian).
 - Nami Isfahani, M. M. S. (1988). *The History of Giti Gosha in the History of Zand*. Iqbal Publication, Tehran, 1st Ed. (In Persian).
 - Nokhbeh Lari, M. B. (1993). *Kashkoul Nokhbeh*. Kherad of Bookstore. Shiraz, 1st Ed. (In Persian)
 - Sadidol Salтанah (kababi, bandar abbasi), M. A. (1985). *Bandar Abbas and the Persian Gulf (Informing People in the Conditions of Bandar Abbas)*. Correction and Introduction: Ahmad Eghtedari. Trying to Ali setayesh. Book World of Publication, Tehran, 1st Ed. (In Persian).
 - Siloofigiora, D. (1985). *Dengarcia Siloofigiora of Travel, Ambassador of Spain at the court of Shah Abbas I*. (Gh. Samiee. Trans.). New Publication, Tehran, 1st Ed. (In Persian).
 - Soltanzadeh, H. (1987). *An Introduction to the History of City and Urbanization in Iran*. Blue Publication. Tehran, 1st Ed. (In Persian).
 - Statistical Calendar of Fars Province (1967 -2007). Statistical Center of Iran, Tehran. (In Persian).
 - Tavernie, J. B. (1985). *Tavernie of Travel*. (A. Noori. Trans.). With General Revision and Correction by Hamid Shemirani. Sanaee Library (Tehran) and Taeed bookstore (Esfahan) of Publications. 2nd Ed. (In Persian)
 - Verjavand, P. (1979). The Role and Importance of Ponds and Water Storage in the Urban Context of Iran. *Art and People*, 14(168), 4-8 (In Persian).
 - Zia Tavana M. H. (1992). Neighborhood, Texture and Its Structure in Islamic-Orient of Cities. *Journal of Earth Sciences*, Shahid Beheshti University, New Era (1), 173-200 (In Persian).
 - Zia Tavana M. H. (2002). *Qaisarie Lar of Market*. Nei Publication, Tehran, 1st Ed. (In Persian).

